



دانشگاه شکرد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی

گرایش محض

عنوان پایان نامه

نام ها و نسبت ها در پنج گنج نظامی

استاد راهنما:

دکتر احمد امین

استاد مشاور:

دکتر علی محمدی آسیابادی

پژوهشگر:

زهرا رفیعی طاقانکی

آذر ماه ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه شهرکرد است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه خانم زهرا رفیعی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض با عنوان: نام ها و نسبت ها در پنج گنج نظامی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ با حضور هیأت داوران زیر بررسی و با رتبه/نمره مورد تصویب نهایی قرار گرفت .

۱- استاد راهنمای پایان نامه، دکتر احمد امین
امضاء.....

۲- استاد مشاور پایان نامه ، دکتر علی محمدی آسیابادی
امضاء.....

۳- استاد داور پایان نامه دکتر جهانگیر صفری
امضاء.....

۴- استاد داور پایان نامه دکتر مسعود فروزنده
امضاء.....

دکتر جهانگیر صفری
معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

چکیده

برای افزودن به دایره معنا در زبان روش های گوناگونی وجود دارد . هر واژه علاوه بر معنای قراردادی آن در ترکیب با اسم و صفت و قید یا حرف معنای تازه پیدا می کند . این ساخت ها گاه نسبت نامیده می شوند و انواع صفت های نسبی و بعضی انواع اضافه را شامل می شود . در این پایان نامه با توجه به مهارت و زبان آوری نظامی نحوه ساخت انواع صفت های نسبی و ترکیب نام ها و نسبت ها در پنج گنج او مورد بررسی قرار گرفته است . بعضی از انواع نسبت ها بدون هیچ گونه نشانه نسبت و با استفاده از عهد ذهنی صورت می گیرد که در ساختی بسیار کوتاه و تلمیح گونه معنای نسبت را القا می کنند . علاوه بر شرح کلیات این موضوع نسبت های ساخته شده در چند بخش نسبت به پیامبران و بزرگان دین شهرها و کشورها ، اقوام و طوایف و سلسله ها ستارگان ، پادشاهان ، پهلوانان و اساطیر ملی ، اشیاء گل ها ، سنگ ها و مواد خوشبو ، دسته بندی شده حسب مورد برای هر کدام توضیحاتی ارائه گردیده است .

کلید واژه : نظامی ، نام ها ، نسبت ها ، صفت نسبی ، اضافه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۹	فصل اول - کلیات
۹	پراکندگی و انواع نسبت ها
۱۰	دستور زبان و ساخت انواع نسبت
۱۸	فصل دوم - نسبت به پیامبران و بزرگان دین
۱۸	آدم (ع)
۲۰	داود
۲۱	سلیمان
۲۴	عیسی
۲۸	مریم
۲۹	موسی
۳۱	یوسف
۳۲	یونس
۳۳	فصل سوم - نسبت به شهرها و اماکن
۳۳	ابخاز
۳۴	الان
۳۴	بابل
۳۵	بدخشان
۳۶	بغداد
۳۶	بلخ
۳۷	چاچ
۳۷	حبشه
۳۸	ختن
۳۸	خَلْج
۳۹	خوزستان
۴۰	دیلیم
۴۱	ری
۴۲	سپاهان
۴۲	سغد
۴۲	سقلاب
۴۳	سنجاب

۴۳ شوشتر
۴۳ طبر
۴۴ طراز
۴۴ طمغاچ
۴۴ قیصور
۴۵ گیلان
۴۵ مازندران
۴۶ مرو
۴۷ فصل چهارم - نسبت به کشور ها
۴۷ چین
۵۱ روس
۵۲ روم
۵۴ عراق
۵۴ مصر
۵۵ مغرب
۵۶ هند
۶۱ فصل پنجم - نسبت به اقوام ، طوایف و سلسله ها
۶۱ اسماعیلیه
۶۲ بربر
۶۲ تاتار
۶۳ تازیان
۶۴ ترکان
۶۶ جهودان
۶۶ زنگیان
۶۹ سامانیان
۷۰ عادیان
۷۰ عباسیان
۷۱ گرجیان
۷۲ فصل ششم - نسبت به ستارگان و اجرام آسمانی
۷۲ بنات النعش
۷۳ پروین
۷۳ زهره
۷۷ سهیل
۷۸ عطارد

۷۹ ماه
۸۰ مریخ
۸۱ مشتری
۸۵ فصل هفتم - نسبت به پادشاهان، پهلوانان و اساطیر ملی
۸۵ آرش
۸۶ اسکندر
۸۹ بهرام چوبین
۹۰ بهرام گور
۹۱ جمشید
۹۳ شمّاس
۹۳ قارون
۹۴ کاوه
۹۵ کیخسرو
۹۶ مانی
۹۷ محمود غزنوی
۹۷ نعمان
۹۸ فصل هشتم - نسبت به اشیاء برای بیان رنگها
۹۸ ارغوانی
۹۹ بلورین
۹۹ زمردین
۱۰۰ صندلی
۱۰۰ عنبری ، عنبرین
۱۰۲ فاخته گون
۱۰۲ کحلی
۱۰۳ گندمی
۱۰۳ لاجوردی
۱۰۴ مشکین
۱۰۵ نیلوفری
۱۰۷ نتیجه گیری
۱۰۹ منابع

مقدمه:

نظامی

جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌یی (گنجوی) از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است. حدود سال ۵۳۶ هجری در شهر گنجه دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت و تحصیل نمود. صاحب زن و فرزند بوده که نام آفاق همسر او و محمد پسرش، در ضمن داستان زندگانی او ذکر شده است. نظامی حدود سال ۵۹۹ هجری دار فانی را وداع گفت.

پنج گنج نظامی

مخزن الاسرار: حاوی موضوعات فلسفی و اخلاقی و دینی است. غرض شاعر از سرودن این مثنوی توجه دادن مردم به خودشناسی و خداشناسی و پاکیزگی تن و روان از آلیشه‌ها و پیروی از دین و حق و عدالت و داشتن صفات و اخلاق پسندیده است.

خسرو و شیرین: نظامی می‌گوید چون طمع هوس باز مردم زمان عموماً به داستانهای عشقی علاقه مند است از این جهت پس از سرودن مخزن الاسرار که گنجینه‌ای پر از حکمت و پند و اندرز است، به سرودن این داستان عشقی پرداخته است و عشق که مایه هستی و زندگی است او را به نظم این داستان برانگیخته است. این داستان اگر چه عاقبتی حزن‌انگیز دارد ولی چون عاشق و معشوق به وصال هم می‌رسند و چندین سال با خوشی با یکدیگر زندگی می‌کنند از این رو مجالس بزم و وصف عیش و سرور و نوازندگی در آن زیاد است.

لیلی و مجنون: این داستان مانند خسرو و شیرین داستانی عشقی است. داستان از همان آغاز از محرومی عاشق شروع می‌شود و در تمام داستان وصف ناله جانسوز عاشق و معشوق است. ختم داستان نیز بسیار غم‌انگیز است.

هفت پیکر: این داستان از نظر استحکام اشعار و دقت در معانی و مضامین و اشتغال بر افکار عالی و اشارات فلسفی از اشعار درجه اول زبان فارسی است.

پهلوان این داستان یکی از شاهان معروف خاندان ساسانی یعنی بهرام گور است. نظامی در این مثنوی شالوده داستان را از مطالب تاریخی ریخته و خود نیز حواشی و فروع بسیار و گاه رمز آلود بر آن افزوده است.

نظامی در این داستان اشارات زیادی به مسائل و مطالب علم نجوم و هیأت دارد. حتی نام داستان «هفت پیکر» را به عروسان فلک و ستارگان هفت گانه ارتباط داده است. این مثنوی را از آن جهت که بهرام گور هفت گنبد و هفت کاخ برای دختران پادشاهان هفت اقلیم درست کرده بود و هر روز با یکی از آنان در یکی از کاخها می‌نشست گاهی «هفت گنبد» هم گفته‌اند.

اسکندر نامه : شامل دو بخش شرفنامه و اقبالنامه می باشد و چون موضوع هر دو داستان اسکندر مقدونی است به اسکندرنامه معروف شده است

این مثنوی مشتمل است بر سخنان حکمت آمیز و عقاید فیلسوفان و پند های اخلاقی و دینی و به همین مناسبت پهلوان داستان نیز کسی انتخاب شده که به نظر نظامی هم جنبه شاهی داشته و هم جنبه پیغمبری و در عین حال از علوم و فنون عقلی و نقلی نیز کاملاً آگاه بوده است. . (ر.ک شهابی، ۱۳۳۷: ۳۱)

سبک و زبان نظامی در پنج گنج :

نظامی از شاعرانی است که توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاصی توفیق یابد . تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند نظامی است. «وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رائع و ریزه کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال ، و به کاربردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو در شمار کسانی است که بعد از خود نظیر نیافته است . عیبی که بر سخن او می گیرند آنست که به خاطر یافتن معانی و مضامین جدید گاه چنان با کلمات بازی کرده است که خواننده آثار او باید به زحمت و با اشکال بعضی از ابیات وی را درک کند و ضمناً این شاعر از آوردن اصطلاحات علمی و لغات و ترکیبات عربی وافر و بسیاری از افکار فلاسفه و اصول و مبانی فلسفه و علوم کوتاهی نکرده و به همین سبب آثار او حکم دایره المعارفی از علوم و اطلاعات مختلف وی گرفته و در بعضی موارد چنان دشوار و پیچیده شده است که جز با شرح و توضیح قابل فهم نیست .

لیکن حق در آنست که بگوییم این شاعر سلیم الفطره دقیق النظر در عین مبالغه در استفاده از اطلاعات ادبی و علمی خود و یا افراط در تخیل و مبالغه در ایجاد ترکیبات نو ملاحظاتی در سخن و لطافتی در بیان و علوی در معانی دارد که این نقص و نقائصی از آن قبیل را به کلی از نظر خواننده پنهان می سازد. «صفا ، ۱۳۷۱ : ۳۱۸).

«عصر نظامی عصر توجه هر چه بیشتر به عناصر روساختی شعر و دوره بهره گیری از تمامی امکان و توان زبان و ادب فارسی و کلیه دستاوردهای علم و فکر و فرهنگ در راه خلق مضامین و شیوه های بیانی تازه و کشف روابط شاعرانه جدید در میان همه پدیدارهای خلقت است .

نظامی را باید مضمون سازی سخت هنرمند خواند ، مردی که بسا دوست دارد حرفی واحد را به صورتهای گوناگون بگرداند و این را نه عیب ، که هنر می داند . یکی از بهترین راهها برای آگاهی از مهمترین جلوه و جنبه هنر نظامی ، که تمایل به صورتگرایی است ، سنجیدن بیت ها و بخش هایی از سخن اوست که موضوع مشترک دارند . تفاوت وزن نیز بر تنوع شکلی این اشعار می افزاید . همین تنوع و جلای جادویی بیان نظامی است که نمی گذارد خواننده از تکرار مضمون احساس ملال کند و هر بار به نظرش می آید که سخنی تازه می شنود. «(حمیدیان ، ۱۳۷۳ : ۱۴ و ۱۳)

نظامی به نقش خود به عنوان شاعر نوجو و پیشگام و به نو آوری های خود در شیوه بیان و توصیف و تصویرگری آگاهی داشته است . و از همین رهگذر در شعر پس از خود تاثیر بسیار گذارده است .

«نظامی لفظی سخت فشرده و موجز با تراکم فوق العاده در تصاویر و آرایه های بدیعی دارد و بیشترین کوشش خود را بر زیبایی بیان و ظرافت های صوری و نحوه به کارگیری عناصر روساختی متمرکز کرده است . دقتهای لفظی او فوق العاده است . همچنین از نظر زبانی ، شعر او از برخی اختصاصات و استعمالات منطقه بومی خود تاثیر پذیرفته است . یکی از ویژگیهای مشترک زبان او در محور جانشینی ، ساختن الفاظ جدید برای بیان مقصود به ویژه ترکیبات مزجی فراوان و جدید است ، که این نیز یکی از عوامل ایجاز و فشردهگی است و در این راه از بالاترین حد توان ترکیب سازی زبان فارسی سود جسته است . در محور همنشینی نیز حذف و قصر بسیار ، که گاهی تا سر حد ایجاز مخل می رسد ، از خصوصیات بارز زبانی اوست .» (حمیدیان، ۱۳۷۳ : ۴۴ و ۴۳)

معرفی طرح:

نظامی انواع علوم، فنون و موضوعات را دستمایه ای برای ساختن ترکیبات جدید و مضامین بدیع قرار داده است. یکی از این موضوعات صفات، ویژگی ها و چیزهایی است که به اشخاص، اشیاء، اماکن و ... داده می شود و تحت عنوان نسبت از آنها یاد می شود. هرگاه سخن از نسبت به میان می آید، بلافاصله ذهن ما به سوی صفت نسبی متوجه می شود حال آن که نسبت، مفهومی گسترده تر از صفت نسبی و اعم از آن است. نسبت ها یا به صورت صفت نسبی می باشند یا به شکل اسم های خاصی که در قالب ترکیبات وصفی و اضافی نسبتی را به وجود آورده اند، همچنین آوردن واژه ای از حکایت یا اشاره به قسمتی از داستان رابطه ای که مبتنی بر نسبت هست در ذهن می سازد و فراتر از ساختارهای شناخته شده نسبت سازی عمل می شود. نظامی نیز در پنج گنج نسبت ها رابه مقاصد گوناگون به کار برده است. قبل از بررسی نسبت ها بایستی آشنائی مختصری با معلومات نظامی در زمینه های گوناگون داشته باشیم ، چرا که اساس این نسبت ها به آشنائی و تبحر نظامی در علوم و فنون گوناگون مربوط می شود .

نظامی از بیشتر علوم عقلی و نقلی بهره مند و در علوم ادبی و عربی کامل عیار و در وادی عرفان و سیر و سلوک راهنمای بزرگ و در عقاید و اخلاق ستوده ، پایبند و استوار و سرمشق انسان ها بوده است .

نظامی در فنون حکمت از طبیعی و الهی و ریاضی دست داشته و اگر وارد مرحله شاعری نبود و به تدریس و تألیف علوم حکمیه می پرداخت در ردیف نوابغ حکمت و فلسفه به شمار می آمد . بیشتر اصطلاحات حکمت پیش نظر وی حاضر و هر کجا خواسته در کمال آسانی به کار برده است .

در علم طب نیز دست داشته و در مواقع مختلف مصطلحات طبی و اندرزه های صحی را به خوبی بکار برده و از دارو ها و امراض تصویرها ساخته است .

نظامی در صنایع معموله عصر خویش و از جمله صنعت زراعت و نگهداری چهار پایان آشنائی و مهارت داشته است.

در علم نجوم نیز تبحر داشته و دقایق آن را خوانده و در اشعار خود به ستارگان و افلاک و صفات و خصوصیات منسوب به هر یک از آن ها اشاره کرده است .

تصاویر زیبا از عادات و رسوم ، معتقدات ، اصطلاحات و امثال که در زندگی اجتماعی مردم رواج داشته به وجود آورده ، زندگی عامه مردم را به تصویر درآورده و آئینه ای ساخته که هر کس خود و زندگی خویش را در آن می بیند.

ایمان به خدا و اعتقاد به مبانی دینی سبب شده که مفاهیم و معانی برخی از آیات قرآن کریم در آثارش متجلی شده و با فرمایش رسول اکرم(ص) و گفته بزرگان راه حق اثر خود را زینت داده است . (ر.ک وحید دستگردی، گنجینه گنجوی، ۱۳۶۳: ۳۳-۳۰)

در پژوهش حاضر به دنبال مشخص نمودن موارد زیر می باشیم :

- نامهای خاص فقط در جایی بررسی می شود که نسبتی را به وجود آورده است و به تدریج نسبت عام شده است .
- نسبتها شامل صفات نسبی ، ترکیبات وصفی و اضافی که در بر دارنده مفهوم نسبت می باشند.
- برای روشن شدن نسبت ها پرداختن به تلمیحات ، داستانها و قصص ضروری است .
- داستان مثل ها برای روشن شدن بعضی نسبت ها ضروری است.

اهداف اصلی طرح :

- ۱- بیان تأثیر عوامل محیطی و ویژگی های جغرافیایی اعتقادات و فرهنگ عامه زمان شاعر در نام ها و نسبت هایی که شاعر در پنج گنج آورده است.
- ۲- بیان دلایل این نسبت ها با مراجعه به کتاب ها و فرهنگ های مختلف .

ارائه فرضیات:

- ۱- نام ها و نسبت ها به عوامل محیطی و ویژگی های جغرافیایی ارتباط دارد و در هر زمان و منطقه جغرافیایی دچار تغییر می شده است .
- ۲- نام ها و نسبت ها در پنج گنج نظامی ارتباط زیادی با فرهنگ و باورهای مردم دوران شاعر دارد .
- ۳- بعضی از نامها و نسبت ها عمومی تر و فرا ایرانی است .

پیشینه تحقیق و بررسی منابع :

در خصوص پیشینه ی موضوع این رساله کسی به این شیوه و تحت این عنوان یعنی نام ها و نسبت ها در پنج گنج نظامی کاری انجام نداده است خواه به صورت مقاله و پایان نامه ، خواه در قالب کتاب . ولی در مورد نظامی و پنج گنج او کتاب ها ، پایان نامه ها و مقالاتی به عناوین گوناگون وجود دارد .

منابع مورد استفاده در این پژوهش فرهنگهای مختلف (نجوم ، جغرافیا، نمادها ، اشارات، تلمیحات ، جانوران و ...) ، کتابهای جغرافیایی و تاریخی ، تاریخ ادبیات ، کتابهای دستور زبان و مقالات مرتبط با موضوع می باشد .

مواد و روش اجرا:

شیوه گردآوری مطالب کتابخانه ای می باشد .

مواد اصلی یا خام همان ابیاتی است که نوعی مفهوم و یا نشانه نسبت در آن وجود داشته باشد . این ابیات در هر پنج گنج به طور جداگانه مشخص شده و مورد بررسی قرار می گیرد و بعد فیش برداری و سپس طبقه بندی فیش ها صورت می گیرد و متناسب با موضوع هر نسبت از منابع مختلف استفاده می شود .

منابع اصلی تحقیق پنج مثنوی معروف نظامی یعنی مخزن الاسرار ، لیلی و مجنون ، خسرو و شیرین ، هفت پیکر و اسکندر نامه (شامل شرفنامه و اقبالنامه) می باشد ، لازم به ذکر است که نسخه مورد استفاده در سراسر پایان نامه با طبع معروف مرحوم وحید دستگردی از خمسه نظامی بوده ، به این دلیل که وحید دستگردی چه در امر تصحیح متن و چه نگارش حواشی و توضیحات بی نظیر و گره گشا از پشتوانه بیش از چهل سال مطالعه و تأمل و تحقیق دائم و تخصصی برخوردار بوده است . در متن پایان نامه نیز هر جا شرح و توضیحی در ذیل ابیات آورده ایم از حواشی وحید دستگردی استفاده شده است،

در فصل اول به ذکر کلیات پرداخته ایم و از فصل دوم به بعد برای سهولت بیشتر و مراجعه آسان تر ذیل چند عنوان و به ترتیب الفبا نسبت ها دسته بندی و ارائه شده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱ پراکندگی و انواع نسبتها

نسبت هایی که به پیامبران و بزرگان دین داده شده، معمولاً برگرفته از معجزات ایشان و وقایعی است که در زندگی آنان روی داده است که بررسی این ها نیازمند مراجعه به قصص و تلمیحات قرآنی می باشد.

پادشاهان ، پهلوانان و اساطیر ملی نیز به صفات و القابی منتسب اند مانند (بهرام گور) و یا به دلیل ساختن بناها (سد سکندر) ، خلق آثار ارزشمند هنری (نقش ارتنگ مانی)، بنیاد کیش و آیین (دیر شماسی) ،داشتن اشیاء گران بها (جام جم ، گنج قارون) هنر خاص (مهارت آرش در تیراندازی) نسبت های مختلفی به آن ها داده شده که شرح آنها در کتاب های تاریخ ، فرهنگ اساطیر و ... پراکنده است.

محصولات کشاورزی خاصی در برخی اماکن جغرافیایی به دلیل داشتن آب و هوا ، خاک مساعد و ... بهتر پرورش می یابد به همین دلیل آن مکان به داشتن آن محصول خاص معروف می شود .

همین طور مرغوبیت یا فراوانی تولید برخی کالاها در شهر ها یا کشورها سبب نسبت دادن کالایی خاص به شهر یا کشوری می شود . بررسی دلایل این نسبت ها را نیز باید در کتب و فرهنگهای جغرافیایی یافت .

مردم برخی مناطق و طوایف نیز به یک یا چند خصوصیت ظاهری (ابرو کشیدگی) و یا اخلاقی (دزدی، دل شاد بودن) منسوب اند.

ستارگان و اجرام فلکی و جایگاه بلند آن ها نیز از زوایای گوناگون مورد توجه بوده و بر مبنای مقولات احکام نجومی، صفات و ویژگی هایی به آنان نسبت داده شده است.

شاعران همواره در اغراق های شاعرانه، تشبیهات و استعاره و کنایات دور از ذهن یا نزدیک به ذهن خود از این نسبت ها سود جسته و آن ها را به استخدام تصاویر و مضامین شعری خود در آورده اند.

نظامی نیز علاوه بر معلومات ادبی و استعداد ذاتی که در فنون شاعری داشته است، در علوم عقلی از فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم و نیز در علوم نقلی از اخبار، قرآن و سایر علوم متداول زمان اطلاعات وسیع داشته است و به همین دلیل از انواع نسبت ها در ساختن تصاویر شعری خود بسیار بهره برده است.

۱-۲ دستور زبان و ساخت انواع نسبت:

۱-۲-۱ **صفت نسبی**: صفتی است که به کسی یا جایی یا جانوری یا چیزی نسبت داده شود. معروفترین نشانه های صفت نسبی عبارتند از: ی، -ین، -ینه، - (های بیان حرکت)، گان، کی، انه، انی، گار، گانه، گانی، چی، مان، و، -یه (انوری واحمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۱۴۶)

بررسی پنج گنج نظامی، نشان می دهد که برخی نشانه های صفت نسبی بسامد بیشتری نسبت به دیگران نشانه ها دارند که در ذیل به مهمترین آن ها اشاره می شود:

۱-۱-۲-۱ **ی**: یکی از نشانه های صفت نسبی است که برای بیان مفاهیم گوناگون به کار می رود:

برای نسبت دادن اسم (شیء، حیوان و ...) به مکانی:

به هندی تیغ هر کس را که دیدند سرش چون طره هندو بریدند

خسرو و شیرین: ۱۶۴ب۳

آن زر رومی که به سنگ دمشق راست برآید به ترازوی عشق

مخزن الاسرار: ۱۳۹ب۱۲

چو زنبورگیلی کشیدند نیش به زنبوره زنبور کردند ریش

شرفنامه: ۲۰۳ب۱۰

در مواردی جای موصوف با صفت نسبی عوض می شود (موصوف و صفت مقلوب).

نظامی به باغ آمد از شهر بند بیارای بستان به چینی پرند

شرفنامه: ۷۶ب۱

سپاه روم را کز ترک شد پیش
به هندی تیغ کرده هندوی خویش
خسرو و شیرین: ۲۲ب۱
گاهی صفت نسبی به تنهایی و بدون موصوف می آید (صفت جانشین موصوف).

با جودش مشک قیر باشد
چینی نه که چین حقیر باشد
لیلی و مجنون: ۳۴ب۱۴
چینی: حریر چین

صبا چون درآید به دیباگری
زمین رومی آرد هوا ششتری
شرفنامه: ۴۸۸ب۲
رومی و ششتری: دیبای رومی و دیبای شوشتری.

هزارش عدد بود مصری چو موم
زری کانچنان زرنباشد به روم
اقبالنامه: ۶۷ب۷
مصری: زر مصری، سکه، هم اکنون نیز در بعضی کشورهای عربی به پول مصاری می گویند.

پس آنگه پای برگیلی بیفشرد
راه گیلکان لشکر به در برد
خسرو و شیرین: ۱۵۹ب۶
گیلی: اسب گیلی

برای نسبت دادن یک خصوصیت ظاهری یا باطنی برجسته به مردم شهرها و کشورها یا اقوام و طوایف:
در این موارد نیز گاه موصوف و صفت مقلوب دیده می شود.

ز رومی رخ هندوی گوی او
شه رومیان گشته هندوی او
شرفنامه: ۳۶۲ب۸
رخ رومی: رومیان به سفید چهره گی معروفند.

مژه چون کاس چینی نم گرفته
میان چون موی زنگی خم گرفته
خسرو و شیرین: ۱۰۸ب۱
موی زنگی: موی زنگیان مجعد و پریشان است.

کمندی چو ابروی طمغاچیان
به خم چون کمان گوشه چاچیان
شرفنامه: ۱۱۴ب۶
من آن روم سالار تازی هشم

شرفنامه: ۱۱۶ب۱

هوش تازی: تازیان در هوشیاری مثل بوده اند

برای بیان رنگها

شراب ارغوانی نوش می کرد
خسرو و شیرین: ۵ب۴۴
آراست کبودی به زردی
لیلی و مجنون: ۴ب۱۲۹
سرمه درآمد به مشگین کمند
شرفنامه: ۱۹ب۴۴۹
چومشک سیه خال جوسنگ او
شرفنامه: ۴ب۳۶۲
کحلی اندوخت، قمرزی انداخت
هفت پیکر: ۴ب۱۶۰

سماع ارغونوی گوش می کرد
شبگیر که چرخ لاجوردی
چو شب در سرآورد کحلی پرند
بر آن گونه گندمی رنگ او
چون شب آرایشی دگرگون ساخت

۲-۱-۲-۱ ین: از دیگر نشانه های صفات نسبی است که نظامی در اشعار خود بیشتر در موارد

زیر به کار برده است:

به اسم می پیوندند و بیان کننده رنگ موصوف است:

گاو فلک برد ز گاو زمین
مخزن الاسرار: ۵ب۱۵
فروشنده مشگ را ناگزیر
شرفنامه: ۴ب۳۱۵
سر و گیسو چو مشگین نوبهاری
خسرو و شیرین: ۳ب۶۵

گوهر شب را به شب عنبرین
نبینی که باشد ز مشگین حریر
بر و بازو چو بلورین حصاری

به اسم پیوسته و برای بیان جنس موصوف به کار می رود:

نه پیلی کو بود پیل سفالین
خسرو و شیرین: ۸ب۱۵۷
به دیوار زرین بدل کرد باز
اقبالنامه: ۸ب۳۳
به دزهای رویین در افتاد جوش
شرفنامه: ۲ب۱۲۰

شوم چون پیل و نارم سر به بالین
گلین بارویش را ز بس برگ وساز
ز رویین دز کوس تندر خروش

۳-۱-۲-۱-۱ ینه :پسوند نسبت است ودر موارد زیر کاربرد دارد:

به برخی از قیود زمان مانند دوش(دیشب)، پار(پارسال) ، روز و ... پیوسته و مفهوم زمانی از آن استنباط می شود:

ملک برخاست جام باده در دست	هنوز از باده دوشینه سرمست
نور دل و روشنی سینه کو	خسرووشیرین: ۱۵۴ب۳
دگر روزینه کز صبح جهانتاب	راحت و آسایش پارینه کو
	مخزن الاسرار: ۱۷۴ب۵
	طلی شد لعل بر لؤلؤی خوشاب
	خسر و وشیرین: ۱۲۱ب۱۲

به اسم پیوسته و جنس موصوف را بیان می کند:

صیدگاهش زخون دریا جوش	گاه گرگینه ، گه پلنگی پوش
زباران کجا ترسد آن گرگ پیر	هفت پیکر: ۲۵ب۴
دمه دم فروگیر چون چشم گرگ	که گرگینه پوشد به جای حریر
	شرفنامه: ۱۸۸ب۶
جواهر به خروار و دیبا به تخت	شده کار گرگینه دوزان بزرگ
	شرفنامه: ۳۰۱ب۷
چو شه شد در آن قصر زرینه خشت	پلنگینه خرگاه و زرینه تخت
	شرفنامه: ۳۶۳ب۵
به دری سفالینه ای سفته گیر	گمان برد کامد به قصر بهشت
	اقبالنامه: ۱۸۲ب۱۴
	سرودی به گرمابه در گفته گیر
	شرفنامه: ۴۷ب۹

یعنی دیگران ظرف سفالینه را به جای دُر سفته و در گرمابه سرودی خوانده اند ودر گرمابه همه کس خوشخوان است.

به اسم می پیوندد و از آن اسم نسبت می سازد:

به آه عنبرینم بین که چون است	که عقد عنبرینه م پر ز خون است
نو عروسی شراره زیور او	خسرووشیرین: ۳۳۳ب۴
	عنبرینه زغال در بر او
	هفت پیکر: ۱۳۸ب۹

یعنی آتش مانند نو عروسی بود که ازشراره زیور زر بر بسته و از زغال سیاه عنبرینه گردن ساخته است.

۱-۲-۱-۴ انه

به اسم می پیوندد وصفتی می سازد که علاوه بر مفهوم نسبت، شباهت را نیز می رساند:

ز تاراج آن سبزه پی کرده گم

سپنج ستوران پیکانه سم

اقبال نامه: ۱۹۵ب۶

یعنی ستورانی که سم آنان پیکان وار تیز بود از چراگاه ساختن وتاراج آن سبزه راه گم کرده و بدان نرسیده بودند.

دیگر ترکیبات وصفی که دربر دارنده مفهوم نسبت هستند:

اغلب این ترکیبات از یک اسم وصفی مرکبی تشکیل شده اند که هیچ یک از نشانه های صفت نسبی را ندارند ولی نسبتی بین اسم (موصوف) و صفت به وسیله کسره نسبی (کسره اضافه) واقع شده و مفهوم نسبت در آن نهفته است.

چونکه تو بیدادگری پروری

ترک نه ای هندوی غارتگری

مخزن الاسرار: ۸ب۹۲

ز پیش سپه زنگی قیرگون

جناحی برآورده چون بیستون

شرفنامه: ۱۱۰ب۸

ریخته آسمان فاخته گون

از هوا فاخته ، زفاخته خون

هفت پیکر : ۱۰ب۱۳۹

زین گرجی طره برکشیده

شد روز چو طره سر بریده

لیلی و مجنون: ۱۱۳ب۶

مشتتری سحر سخن خوانمش

زهرة هاروت شکن دانمش

مخزن الاسرار : ۴۲ ب۹

عطارد کرده ز اول خطّ جوزا

سوی مریخ شیر افکن تماشا

خسرو و شیرین: ۱۶۶ب۲

چو آگه شد که شاه مشتری بخت

رسانید از زمین بر آسمان تخت

به جای آورد رسم دوستداری

ز گنج افشانی و گوهر نثاری

خسرو و شیرین: ۱۸۱ب۱۶ و ۱۸۲ب۱

در ارتنگ این نقش چینی پرند

قلم نیست برمانی نقشبند

شرفنامه: ۶۹ب۱

کشیده بر سر هر کوهساری

زمرّدگون بساطی مرغزاری

خسرو و شیرین: ۵۶ب۹

۱-۲-۲ حالت اضافی

در پارسی باستان برای اسم هفت حالت استعمال می شده که به واسطه وصل حرف یا تمديد حرکت در آخر بن کلمه، اسما صرف می شدند یکی از این حالات، حالت اضافه است.

مؤلف غیاث اللغات گوید: «اضافه، نسبت کردن چیزی را به سوی چیزی گویند و به اصطلاح نحویان نسبتی است که میان دو اسم واقع شود بر وجه تقييد...»

اسمی که دارای متمم است مضاف و متمم آن را مضاف الیه نامند.

ترکیب مضاف و مضاف الیه را در زبان فارسی «مركب اضافی» گویند.

علامت اضافه کسره ای است که به آخر مضاف و پیش از مضاف الیه آورده شود و کسره مورد بحث را «کسره نسبی» و «کسره اضافی» نامیده اند و معمولاً «کسره اضافه» گویند. (ر.ک معین، ۱۳۷۰: ۶)

فایده اضافه: اضافه یکی از خواص اسم است و آن را به اعتبار فایده به دو قسم تقسیم کرده اند: معنوی و لفظی.

فایده اضافه اساساً تعریف و تخصیص است این قسم اضافه را «اضافه معنوی» گویند. هر گاه فایده اضافه فقط تخفیف باشد آن را «اضافه لفظی» نامند.

اضافه از لحاظ حقیقت و مجاز به اضافه حقیقی و مجازی تقسیم می شود.

اگر نسبت مضاف به سوی مضاف الیه حقیقی بود، یعنی وجه نسبت در خارج متحقق باشد، آن را اضافه حقیقی گویند.

اگر ملابست در میان مضاف و مضاف الیه فرضی و اعتباری باشد آن را اضافه مجازی گویند. (همان: ۱۰۴)

در اشعار نظامی اقسام اضافه از قبیل اضافات تشبیهی، بیانی، توضیحی و ... وجود دارد موضوع این رساله بررسی نسبت های حقیقی است یعنی وجه نسبت در خارج وجود دارد بنابراین منظور از اضافه در این رساله، اضافه حقیقی است که نسبتی نیز در آن نهفته باشد.

اضافه حقیقی انواع گوناگونی دارد که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود.

الف. اضافه اختصاصی که شامل ۱. اضافه تخصیصی ۲. اضافه ملکی می شود. هر کدام از این دو مورد نیز به انواع دیگری تقسیم می شوند.

ما در اینجا به ذکر انواعی که در پنج گنج نظامی نمود بیشتری دارد، می پردازیم.

۱-۲-۲-۱ اضافه تخصصی

از فروع اضافه تخصصی ، اضافه اسم (عام یا خاص) یا صفت (به جای موصوف) به محل اوست:

گلاب سپاهان و مشک طراز

سر شیشه و نافه کردند باز

هفت پیکر: ۲۳۰ب۳

وشی پوش گشته همه مرز و بوم

اقبالنامه: ۲۳۲ب۱۰

به شورش در افتاد چون زنگ روس

شرفنامه: ۲۵۲ب۶

به یاد پیل هندوستان چه آری

خسرو و شیرین: ۲۳۲ب۱۱

فروزنده چون قبله گاه مجوس

شرفنامه: ۴۳۷ب۱۲

سهل عرب بود و سهیل یمن

مخزن الاسرار: ۵۵ب۸

از فروع اضافه تخصصی نیز ، انتساب مضاف (اسم عام یا اسم خاص و یا صفت به جای موصوف) است به سلسله یا طایفه یا قومی:

نسیمش بوی مشک آرد به بازار

خسرو و شیرین: ۲۷۷ب۷

لعبتی ترک چشم و هندو خال

هفت پیکر: ۲۷۴ب۷

چشم ترکان به کوچکی و تنگی معروف است.

چو بر سنبل چرد آهوی تاتار

مشک و آهوی تاتار در مرغوبیت مشهورند .

گُرد را بود دختری بجمال

ترک چشم: اضافه مقلوب، چشم ترک

اختصاص ایجاد: مانند سد اسکندر، درفش کاویان

چو سد سکندر کشیدن سپاه

شرفنامه: ۳۷۷ب۱۷

تپانچه بر درفش کاویان زد؟

خسرو و شیرین ۱۸۶ب۴

فرود آمدن چیست بر طرف راه

کجا آن تیغ کاتش در جهان زد؟